

# بدیل های منطقی وجود دارند

جین شارپ

تلاش برای نهادینه شدن حقوق بشر در ایران ترجمه گروه  
"مهر ایران"

موسسه آلبرت اینستاین

## جایگزینی راهکارهای عملی بجای جنگ و سایر اعمال خشونت آمیز

خشونت در جامعه و سیاست، خواه به شکل جنگ، تروریسم، دیکتاتوری، ظلم و ستم، نادیده گرفتن حقوق مردم و دستگیری های غیرقانونی و کشتار مردم بعنوان مسئله ای مهم شناخته شده است.

از آنجائیکه درک درستی از طبیعت ذات خشونت بدست داده نشده است راهکارها و پیشنهادات ارائه شده برای حل مسئله خشونت و جلوه های گوناگون آن ناموفق بوده اند و بدون درک صحیح مسئله و مشکل خشونت بعید بنظر میرسد که راهکاری برای حل این مسئله ارائه شود.

هدف از تحریر این مقاله اینست که اشکال متفاوت سرشت و خوی مشکل گسترده خشونت در جامعه و سیاست را مورد بررسی و کندو کاو قرار داده و راه حلهایی را که برای حل آن لازم بنظر میرسد پیشنهاد کند.

ما میبایستی شرایطی را که میتوان با اتکا به آن استفاده از نیروی نظامی و سایر اشکال برخورد های خشونت آمیز را بصورت موثر کاهش دهد مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم تا ببینیم چرا خشونت بدین شکل برای اهداف خوب و بد مورد استفاده قرار گرفته و اینکه چگونه میتوانیم از این بیماری عمومی دوری جویم.

دیدگاه این نوشته ساده است، اما شاید در حل مسئله خشونت در منازعات سیاسی و بین المللی بنیادی باشد.

مهم اینست که تشخیص دهیم منازعه در جامعه و سیاست اجتناب ناپذیر و در بسیاری از موارد مطلوب است. بعضی از منازعات را میتوان با روشهای مسالمت آمیز چون مذاکره، گفتگو و راههای آشتی جویانه حل کرده به مصالحه و سازش رسید. این روشها زمانی قابل اعمال و امکان پذیر است که مسائل مطروحه بنیادی و اساسی نباشد. حتی در این شرایط، حل منازعه از طریق مذاکره بیشتر تحت تاثیر ظرفیت قدرت طرفین منازعه قرار دارد تا ارزیابی مشترک از اینکه حق با کیست و عدالت در کجاست.

با وجود این در بسیاری از منازعات مسائل اساسی، و یا آنچه که اعتقاد بر آنست که اساسی است، مطرح میشود که برای حل آنها راه حل مسالمت آمیز وجود ندارد و حد اقل یکی از طرفین لازم میداند که برای پیشبرد آزادی، عدالت، مذهب و یا تمدن علیه مخالفان خود به نبرد بپردازد و یا در مقابل خشونت به مقابله برخاسته و دشمن را شکست دهد. از سوی دیگر درگیریهای خشونت آمیز و حاد میتواند برای تحت ستم درآوردن مردم، بی عدالتی و یا دیکتاتوری بکار گرفته شود. در منازعات حاد حداقل یکی از طرفین تسلیم و شکست را در حکم فاجعه ای برای اصول اعتقادات تمامی جامعه و در مواقعی خود زندگی میداند. در چنین حالتی، مردم معتقدند که لازم است نبرد را بشدیدترین شکل ممکنه آغاز کرد.

## احتیاج به ابزار برای ایجاد منازعه

جنگ و سایر اعمال خشونت آمیز بدلائل مختلفی بکار گرفته شده اند، اما در منازعات حاد سیاسی و بین المللی خشونت بعنوان وسیله ای برای شروع منازعه بکار گرفته شده است تا اهدافی را که معتقد بوده اند خوب و اصیل است محافظت کرده، گسترش دهند. اعتقاد بر این بوده است که خشونت راهکار لازمی در مقابل تسلیم به شیطان بزرگ میباشد.

در بیشتر ساختارهای سیاسی جنگ و سایر اعمال خشونت آمیز بعنوان بالاترین ضمانت اجرا بکار گرفته میشود. اعتقاد بر اینست که هنگامی که راهکارهای مسالمت آمیز برای دستیابی به هدف با شکست مواجه میشوند یا محکوم به شکست هستند برای دفاع و پیشبرد آنچه را که خوب و با ارزش قلمداد میشود از راهکار خشونت آمیز بعنوان آخرین وسیله و پر قدرترین راه برای فشار آوردن و تنبیه میتوان استفاده کرد.

تا زمانی که نقش خشونت درک و شناخته نشود، امکان کاهش اتکاب به جنگ و سایر اعمال خشونت آمیز در منازعات حاد وجود ندارد.

در مبارزاتی که مسائل اصولی مطرح است ساده اندیشی است که فکر کنیم پیشنهاد مذاکره و گفتگو پاسخ مناسبی نسبت به اهداف مبارزه تلقی شود. بنظر بعید میآید که طرفین متخاصم بدون برخورد و منازعه از اهدافشان دست بکشند و این امر غیر منطقی بنظر میرسد که راه حل ساده و در عین حال پیروز مندانه ای برای دوطرف در کار باشد. دیکتاتورهای بیرحم و کسانیکه دست به قتل انسانها میزنند سزاوار هیچ پیروزی نیستند.

ما در طی دهها سال شواهد و قرائنی در دست داریم که نشان میدهد با وجود اعتراض نسبت به مبارزات خشونت آمیز این روش از میان نرفته است. در مبارزات حاد، اکثریت مردم، جنگ و سایر اعمال خشونت آمیز را مردود ندانسته بلکه معتقدند، و یا به آنها گفته شده است که تنها با خشونت میتوان در مقابل خشونت قرار گرفته و خشونت طرف مقابل را تجاوز و بی احترامی نسبت به اصول مذهب و اخلاق خود تلقی میکنند. با توجه مطلب فوق انتظاری غیر از این داشتن غیر واقعی بنظر میرسد.

حدوداً چهل سال پیش روانشناسی بنام جروم فرانک یادآور شد که برای اغلب مردم صلح از بالاترین ارزش برخوردار نیست.

مردم، گروهها و دولتها خشونت را زمانی که محکوم کردن خشونت حمل بر استیصال و ضعف در مبارزه ای که اصول اعتقادات و سرشت جامعه آنها مورد حمله قرار گرفته و یا چنین تصویری برای آنها پیش آمده باشد محکوم نمی کنند.

در منازعات حاد برای آنکه جنگ و دیگر اعمال خشونت آمیز بعنوان ابزار نهایی مبارزه برای پیشبرد و یا دفاع از اصول، ایدالها، جامعه و یا بقای افراد مورد استفاده قرار نگیرد باید جایگزین

لروما چنین راهکارهای عملی میبایستی قادر باشند جایگزین اعمال خشونت آمیزی که در موارد دشوار، در گذشته اعتقاد به لزوم استفاده از اعمال خشونت آمیز را توجیه میکرد بگیرند. موارد دشوار شامل برخورد با دیکتاتورها، حمله و اشغال نیروهای خارجی، تجاوز به حقوق مردم، ستم، قتل عام و کشتار وسیع و تبعید میشود.

نشانه مهمی که دال بر وجود جایگزین اعمال خشونت آمیز میباشد در این حقیقت نهفته است که حتی قدرت دیکتاتور وابسته به منابع قدرت در جامعه است که خود وابسته به همکاری موسسات متعدد و مردم میباشد. همکاری که چنانکه بعدا با جزئیات بیشتر خواهیم دید ممکن است ادامه یابد و یا متوقف شود.

### روش دیگری برای مبارزه وجود دارد

چنین راهکاری، جایگزینی واقعی برای منازعات خشونت آمیز محسوب میشود. اغلب فراموش میشود که جنگ و دیگر اشکال اعمال خشونت آمیز روشهای جهان شمولی در منازعات حاد نبوده اند و در طول قرنها با وجود موانع فرهنگی در موقعیتهای بسیاری روش دیگری از مبارزه بکار گرفته شده است. این روش بر پایه گذشت مسیحانه نبوده بلکه بر اساس پافشاری و مقاومت سرسختانه در مقابل دشمن قهار استوار بوده است.

در سراسر تاریخ بشری، در منازعات بسیار، یک طرف وجود داشته است که نه با خشونت بلکه با روشهای روانی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و یا ترکیبی از آنها عمل کرده است. کاربرد این نوع مبارزه منحصر به مواقعی که منازعات محدود، و مخالفان نسبتا از برخورد خشونت آمیز پرهیز نمیکرده اند نبوده است. در بسیاری از مواقع این روش مبارزاتی در موارد جدی مطرح و جبهه مخالف آماده اعمال بی رحمانه ترین سرکوبیها بوده و از اعدام، ضرب و شتم، دستگیری، زندان و قتل عام استفاده کرده است، و علیرغم چنین سرکوب خشونت باری در پاره ای مواقع مقاومت مردمی با انتخاب روش عدم خشونت به پایداری در مقابل دشمن برخاسته و به پیروزی رسیده اند.

این روش جنبش غیر خشونت آمیز و یا جنبش نافرمانی مدنی خوانده میشود. این روش، بالاترین ضمانت اجرا، بشکل دیگری است، در برخوردهای حاد این روش میتواند بعنوان جایگزین در مقابل جنگ و دیگر اشکال خشونت بکار گرفته شود.

### نمونه هایی از جنبش های نافرمانی مدنی و بدور از خشونت

نافرمانی مدنی بشکل گسترده ای در فرهنگهای مختلف، اعصار تاریخی و شرایط سیاسی گوناگون در غرب و شرق کره خاک اتفاق افتاده است. نافرمانی بدور از خشونت، هم در جوامع صنعتی و هم در جوامع غیر صنعتی اتفاق افتاده و از این روش مبارزه در سیستم های دموکراسی، علیه امپراتورها، اشغالگران خارجی، و سیستم های دیکتاتوری استفاده شده است.

مسئله مورد بحث به عوامل مختلفی بستگی دارد. این عوامل شامل مسائل اجتماعی، اقتصادی، قومی، مذهبی، ملی، انسانی و سیاسی شده، و میتواند از مسائل جزئی تا مسائل اصلی و کلی را در بر گیرد. اگر چه کارشناسان مسائل تاریخی عموماً این نوع جنبش را نادیده گرفته اند. این امر بروشنی زمینه های تاریخی قدیمی دارد. بیشتر تاریخ این نوع مبارزه بدون شک از میان رفته است. و بیشتر آنچه را که باقی مانده است نیز نادیده گرفته شده است.

کاربرد جنبش نافرمانی مدنی در بیشتر موارد علیه دولتها صورت نگرفته و حکومتها را به چالش فرا نخوانده است. این موارد شامل مبارزات کارگری و تلاش برای مقابله و فشار وارد آوردن برای بدست آوردن موقعیت برابر در اجتماعات صورت گرفته است. جنبشهای نافرمانی مدنی همچنین در مبارزات قومی و مذهبی و در موارد دیگر مانند برخورد های دانشجویان با مدیریت دانشگاهها بکار گرفته شده است. اما مبارزات مهمی نیز بین مردم و دولتها بصورت گسترده رخ داده که مردم بصورت گسترده عملیات غیرمسلحانه و نافرمانی مدنی را در مبارزه خود بکار گرفته اند. نمونه های ذیل از این گونه جنبشها محسوب میشود.

از اواخر قرن هجدهم تا قرن بیستم جنبشهای نافرمانی مدنی به اشکال مختلف در مبارزات گوناگون مانند، جنبشهای مختلف علیه استعمارگران، جنبشهای بین المللی سیاسی و اقتصادی، مبارزات مذهبی، و جنبشهای ضد بردگی بکار گرفته شده است. این روش با هدف بدست آوردن حقوق کارگران در ایجاد سازمانهای کارگری، حقوق زنان، حق انتخاب برای مردان و زنان بکار رفته، و نیز جنبش نافرمانی مدنی برای بدست آوردن استقلال ملی، بهبود وضع اقتصادی، مقابله با آدم کشی، و از میان بردن خودکامگی، و بدست آوردن حقوق بشر و خاتمه دادن به تبعیض های نژادی و مبارزه در برابر اشغال خارجی و کودتا بکار گرفته شده است.

موارد بسیاری از کاربرد جنبش نافرمانی مدنی در اوائل قرن بیستم مشاهده میشود از جمله روسیه، و در کشورهای بسیاری از این روش در ۱۹۰۵ میتوان از کاربرد این روش در انقلاب اتحادیه های رو به گسترش کارگری با بکار گرفتن اعتصابات کارگری و بایکوت های اقتصادی، و ۱۹۱۵، ۱۹۰۸ بکار گرفته شد. بایکوت چین در مقابل استفاده از محصولات ژاپنی در سال ۱۹۲۰ و علیه Kapp Putsch رخ داد و آلمانها از جنبش نافرمانی مدنی علیه ۱۹۱۹ و ۱۹۲۰ در مقابل فرانسه و بلژیک استفاده کردند. در دهه ۱۹۲۳ در سال Ruhr اشغال منطقه ملیون هندوستان برهبری مهاتما گاندی از این روش در مبارزات خود در برابر حکومت ۱۹۳۰ و انگلستان استفاده جستند.

مردم کشورهای مختلف اروپا از جمله مردم نروژ، دانمارک، و هلند در ۱۹۴۵ تا ۱۹۴۰ از سال مبارزات خود علیه اشغال آلمان نازی از روش نافرمانی مدنی استفاده کردند. جنبش نافرمانی مدنی برای نجات یهودیان از آدم سوزیها در برلین، بلغارستان، دانمارک و سایر مناطق اروپایی استفاده شد. دیکتاتورهای نظامی السالوادور و گواتمالا با جنبشهای نافرمانی مدنی در کوتاه زمان از حکومت خلع شدند. جنبشهای نافرمانی مدنی امریکا علیه جدایی و تبعیض ۱۹۴۴ در سال

سبب آن گردید تا قوانین این کشور، بخصوص در جنوب ۱۹۶۰ و ۱۹۵۰ عدم ۱۹۶۱ ایالات متحده امریکا که سالها به اجرا گذاشته شده بود تغییر یابد. در آوریل سال همکاری سربازان وظیفه فرانسه در مستعمره فرانسه، الجزایر، به هم یاری تظاهرات مردمی در فرانسه و مقاومت دولت فرانسه سبب شکست کودتا در الجزایر شد.

بدنبال تهاجم پیمان ورشو، چکها و اسلواکها برای مدت هشت ماه با ۱۹۶۹ و ۱۹۶۸ در سال عدم همکاری و جنبش غیر مسلحانه و مدنی خود هشت ماه از کنترل اتحاد شوروی سرباز زدند. مخالفان دولتهای کمونیستی در اروپای شرقی بخصوص در آلمان ۱۹۹۰ تا سال ۱۹۵۳ از سال شرقی، لهستان، مجارستان، و کشورهای بالتیک به دفعات با مبارزات غیر مسلحانه و نافرمانی جنبش همبستگی ۱۹۸۰ خود برای بدست آوردن آزادی بیشتر به مبارزه برخاستند. در سال سراسری لهستان در حمایت از قانون اتحادیه کارگران با اعتصابات کارگری آغاز شد و در سال رژیم کمونیستی در این کشور ساقط گردید. جنبشهای نافرمانی مدنی همچنین به دیکتاتوری ۱۹۸۹ و در آلمان شرقی، استونیا، لاتویا و ۱۹۸۹ احزاب کمونیست در کشورهای چکسلواکی در سال خاتمه داد. ۱۹۹۱ لیتوانیا در سال

در مسکو با عدم همکاری و مقاومت مردم با شکست مواجه ۱۹۹۱ تلاش برای کودتا در سال تظاهرات غیرمسلحانه و مقاومتهای مردمی در افریقای جنوبی ۱۹۹۰ تا سال ۱۹۵۰ شد. از سال آپارتاید و تسلط کشورهای اروپایی را در این کشور را از میان برد. حکومت دیکتاتوری ساقط شد. ۱۹۸۶ مارکوس در فیلیپین با جنبش نافرمانی مدنی مردم این کشور در سال

در ماههای جولای و آگوست تظاهرات دموکراتهای برمه علیه دیکتاتوری نظامی که با راه پیمایی ها و مقاومت مردم صورت گرفت سه دولت این کشور را بزیر کشید و عاقبت جنبش مردم در دانشجویان چینی و مردم این کشور ۱۹۸۹ مقابل کودتای نظامی و کشتار مردم تسلیم شد. در سال در سیصد شهر از جمله در میدان تیانان من پکن، علیه فساد و ستم دولت چین دست به تظاهرات زدند اما این تظاهرات با کشتار مردم توسط نظامیان این کشور خاتمه یافت.

به مبارزه علیه دولت صرب پرداخته و ۱۹۹۹ و ۱۹۹۰ در کوزوو، مردم آلبانیایی بین سالهای علیه این دولت و قوانین صرب دست به مقاومت و مبارزه غیر مسلحانه زدند و زمانی که دولت غیر رسمی کوزوو بعلت فقدان استراتژی مشخص نافرمانی مدنی قادر به دست یابی به شناسایی رسمی نبود، با حملات سبعانه صربها مواجه شد و صربها دست به قوم کشی زده و تعداد کثیری را بقتل رساندند و این عمل بدانجا انجامید که پیمان ناتو مجبور به دخالت شده و صربستان را بمباران کرد.

صربها علیه دولت خودکامه پرزیدنت میلوسویچ و تقلبات ۱۹۹۶ از آغاز ماه نوامبر سال دست به تظاهرات و راهپیمایی های روزانه در بلغراد و ۱۹۹۷ انتخاباتی در اواسط ژانویه سال سایر شهرها زدند. اما در آن زمان دموکراتهای صرب فاقد استراتژی لازم برای مبارزه بودند و جنبش ۲۰۰۰ در سقوط دیکتاتوری میلوسویچ با شکست مواجه شدند لیکن در اوائل اکتبر سال و سایر دموکراتها دوباره مبارزات خود را علیه میلوسویچ با طرح و پیش بینی Otpor مقاومت های لازمه برای به اجرا در آوردن جنبش نافرمانی مدنی آغاز کردند که منجر به سقوط میلوسویچ شد.

پرزیدنت استرادا که متهم به فساد مالی شده بود با مبارزات مردم فیلیپین از ۲۰۰۱ در اوائل سال ریاست جمهوری خلع شد. برای درک بهتر این مبارزات و نتایج حاصل از آن بسیار مهم است که روش این مبارزات غیر مسلحانه مورد امعان نظر و توجه قرار داده شود.

### مشخصات و روشهای جنبشهای غیر مسلحانه و نافرمانی مدنی

در این نوع مبارزات بجای کاربرد روشهای خصمانه، مردم عموماً از سه نوع روشهای رفتاری استفاده میکنند. اول، آنها دست به تظاهرات نمایشی میزنند، مانند راهپیمایی ها، پخش اعلامیه، یا پوشیدن رنگ ویژه ای که نشان دهنده حمایت آنها از هدف خاصی و یا مخالفت آنها علیه هدف بخصوصی باشد.

دوم، از ادامه حمایت و همکاری خود داری میکنند و یا به همکاری های تازه ای با مخالفان خود به اشکال مختلف دست میبازند. زمانیکه مخالفان دست به عدم همکاری میزنند این عمل میتواند به شکل عدم همکاری در مسائل اجتماعی، اقتصادی و یا اشکال سیاسی باشد. برای مثال مخالفان دست به بایکوت اجتماعی گروه مخالف خود میزنند و از شرکت در مراسم و یا اجتماعات خود داری میکنند و یا در اجتماعات و یا مدارسی که معتقدند از مخالفان آنها حمایت میکنند سر باز میزنند.

مخالفان در این زمان به همکاری اقتصادی خود خاتمه میدهند و از حمل و نقل و یا فراهم کردن کالا و فراهم کردن خدمات خودداری میکنند و از خرید و فروش کالا و یا محصولات چشم میپوشند. بعضی اوقات ارتباطات اقتصادی با کشورهای مخالف بوسیله اقدامات دولتی بحالت غیر فعال در می آید. مواردی که ذکر شد میتواند اشکالی از بایکوت اقتصادی محسوب شود.

اعتصابات کارگری به اشکال مختلف میتواند صورت گیرد. مانند توقف موقت کار، اعتصاب در یک کارخانه، و یا اعتصاب عمومی در سطح وسیع و کلی و یا متوقف شدن امور اقتصادی در یک شهر و یا یک کشور.

عدم همکاری سیاسی شامل بایکوت انتخابات، و رد مشروعیت رژیم، نافرمانی شخصی که بدون حضور ناظر مستقیم صورت میگیرد و یا عدم همکاری کارمندان دولت، و عدم اطاعت از قوانین باشد.

سوم، دخالت فعال و بهم زدن نظم معمول که میتواند به اشکال روانی، اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی صورت گیرد. روشهای مختلف نافرمانی مدنی در بهم زدن نظم معمول شامل اشغال ادارات دولتی، نشستن در خیابانها، اعتصاب غذا، و ایجاد سازمانهای تازه اقتصادی، حملات غیرمسلحانه، و افزایش حجم کار تاسیسات دولتی و اقدام در جهت زندانی شدن و ایجاد دولت موازی میشود.

روشهای کاربردی جنبش نافرمانی مدنی با توجه به نوع عملیات معین میشود نه با تمایلات و باورهای مردم که مایلند به اجرا بگذارند. بسیار مهم است که بدانیم این روش بوسیله مردم که

زیرا این عمل هم غیر لازم و هم مخرب محسوب میشود. یک صد و نود و هشت روش در جنبش های نافرمانی مدنی در دیباچه دوم کتاب آمده و تاریخچه آن و نمونه تاریخی آن ذکر شده است.

## تصورات باطل:

شناخت گسترده دروغین و تصورات باطلی در درک جنبش نافرمانی مدنی عنوان میشود

آ: اعتقاد عمومی بر اینست که جنبشهای خصمانه سریعتر به نتیجه میرسد و جنبشهای نافرمانی مدنی احتیاج به زمان دارد و طول میکشد تا به نتیجه دلخواه دست یابد. هر دوی این باور ها غلط است.

ب: این باور وجود دارد که جنبش نافرمانی مدنی جنبشی ضعیف است، اما در حقیقت میتواند بسیار قدرتمند باشد. این جنبش میتواند یک رژیم منتخب را زمین گیر کرده و از میان بردارد

پ: این جنبش نیازمند رهبری که مورد پذیرش همگان باشد نیست.

ت: این جنبش پدیده ایست که بین گروههای فرهنگی مختلف پیوند بوجود می آورد.

ث: این جنبش نیازمند باور مذهبی خاصی نیست اگر چه بعضی اوقات انگیزه های مذهبی در آن دخالت دارد.

ج: جنبش نافرمانی مدنی مانند اصول مذاهب یا اصول اخلاقی در مورد جنبشهای غیر مسلحانه نیست و پدیده بسیار متفاوتی تلقی میشود. این تمایز باید روشن شده و از آن بسادگی نمیتوان چشم پوشید.

چ: اگر چه اعتقاد عمومی بر آنست که نافرمانی مدنی روشی است که میتواند در برخورد با مسائل انسانی و حکومتهای دموکراتیک به پیروزی دست یابد اما جنبشهای نافرمانی مدنی علیه حکومتهای خشن و بیرحم و دیکتاتوریهها از جمله حکومتهای نازی و کمونیستها تاکنون به پیروزیهایی دست یافته است.

ح: بعضی افراد و گروهها میگویند جنبش نافرمانی مدنی تنها با برحم آوردن قلب ستمکاران است که به پیروزی دست مییابد، اما این جنبش با نیروی خود بزرگترین دیکتاتورها را از میان برداشته ساقط میکند.

## شرایط پیروزی:



انتخاب این روش مبارزه ، همچنانکه سایر روشهای دیگر از جمله مبارزه از راههای قهر آمیز موفقیت را تضمین نمی کند، لزوماً موفقیت و پیروزی را ضمانت نمیکند، برای بدست آوردن پیروزی از این طریق مبارزه بمانند سایر راههای مبارزه شرايطی و روشهایی وجود دارد. تنها با بیان و عنوان کردن مبارزه از طریق نافرمانی مدنی و خود داری از استفاده از راههای خشونت آمیز موفقیت حاصل نخواهد شد. بعنوان مثال بعضی از مبارزات مدنی در گذشته با عدم موفقیت روبرو شده و به هدف نرسیده است و بعضی نیز موفقیت‌های محدودی بدست آورده اند. بعضی اوقات موفقیت بدست آمده برای زمان کوتاهی میسر شده زیرا مردم از آنچه که بدست آوردند استفاده نکرده و موفقیت‌های خود را از طریق سازماندهی و همبستگی مورد استفاده قرار ندادند. در مواردی دیگر پیروزی در یک نبرد باعث بدست آمدن امتیازاتی گردید اما جنبشهای تازه ای برای بدست آوردن پیروزی نهایی و دست یابی به هدف غایی مورد نیاز بوده است.

در بعضی موارد پیروزیهای بزرگی با روش نافرمانی مدنی بدست آمده که با استفاده از روش خشونت آمیز و قهر آمیز این پیروزیهای غیر ممکن بوده است. برای درک صحیح تر این نتایج لازم است که این روشها و تکنیکها را آموخت.

اگر چه روشهایی را که جنبش های نافرمانی مدنی بخدمت میگیرند با توجه به هر موردی با یکدیگر متفاوت است میبایستی دو مسئله بسیار مهم و حیاتی را در جنبش نافرمانی مدنی شناخت. ایندو عبارتند از: توانایی مقاومت و در شرایط زمانی خاص عکس العمل مقتضی و بازگرداندن اثرات فشار بر جنبش نافرمانی ، و دوم توانایی در ایجاد شکاف در منابع قدرت طرف مقابل.

### قدرت بازدارنده و جوجیتسوی سیاسی Repression and Political jiu - jitsu

طبیعتاً، دیکتاتورها نسبت به اعمال و عقایدی که قدرتشان را تهدید میکند حساسیت دارند. در نتیجه کسانی را که از فرمانشان اطاعت نمی کنند و با اعتصاب و عدم همکاری با آنان روبرو میشوند تهدید کرده و مجازات میکنند. لیکن بهر صورت زور و حتی بیرحمی همیشه باعث اطاعت و همکاری با رژیم نمیشود تا بتواند به کارش ادامه دهد.

تحت بعضی شرایط، و نه لزوماً در همه موارد، فشار و ستم مضاعف ممکن است باعث بروز جریان خاصی شود که آنرا جوجیتسوی سیاسی میخوانند.

مشگلات نیروی قاهره و دولت در برخورد با جنبش نافرمانی مدنی در شرایط اولیه باعث بوجود آمدن نیروی ویژه و روشها و تکنیکهایی میشود. این روشها علیه قدرت مخالفان و در جهت کاربرد قوه قهریه صورت میگیرد. بهر صورت جنبش سیاسی از طریق نافرمانی مدنی علیه قدرت قهریه، شرایط خاص و وضعیت برخورد و مقابله را بوجود می آورد. شرکت کنندگان در جنبش نافرمانی مدنی میتوانند از شرایطی که ایجاد میشود علیه قدرت قهریه استفاده کنند، روشی که به قیاس با ورزش رزمی ژاپنی جوجیتسو خواند میشود. شکل مقابله و جنبش، تعادل سیاسی حریف را از بین میبرد و سبب آن میشود که قدرت نیروی قاهره ضعیف شود و با ادامه جنبش نافرمانی جنبش قدرت بیشتری میگیرد. این روش را جوجیتسوی سیاسی میخوانند.

## تضعیف نیروی مخالف

جوجیتسوی سیاسی در تمام شرایط و در همه جنبشهای نافرمانی مدنی بکار نمی آید. بیشتر عملیات جنبشهای نافرمانی مدنی در جهت تضعیف منابع قدرتی که نیروی مخالف و حتی دیکتاتور ها از آن استفاده میکند صورت میگیرد. این عملیات در مرحله اول در شرایطی به اجرا در می آید که هدف ایجاد فشار و وادار کردن دولت به انجام و یا عدم انجام امریست. و یا زمانی صورت میگیرد که هدف از هم پاشی رژیم است.

اساس کار ساده است. دیکتاتور ها به کمک مردم برای حکومتشان نیازمندند، بدون مساعدت مردم آنها نمیتوانند قدرتشان را حفظ کنند و به حکومتشان ادامه دهند.

- قدرت، یا مشروعیت

- منابع انسانی، اشخاص و گروهها که با حاکمان همکاری و مساعدت میکنند؛

- دانش و مهارتها، که مورد نیاز رژیم است و با همکاری اشخاص و گروهها تامین میشود؛

- عوامل نامریی؛ عوامل روانی و ایدئولوژیکی باعث ترغیب مردم به اطاعت و مساعدت با حاکمان میشود؛

- منابع مادی؛ کنترل و یا دسترسی به اموال، منابع طبیعی، سیستم اقتصادی، وسائل ارتباطی و حمل و نقل؛ و

- تحریم ها، مجازاتها، تهدید و به اجرا در آوردن تهدید علیه مردم در جهت اطمینان بخشیدن به اطاعت و همکاری مردم که رژیم برای به اجرا در آوردن سیاست و بقایش به آن نیازمند است. تمامی این منابع، بهر صورت بستگی به قبول رژیم، و اطاعت و تبعیت عمومی و همکاری بسیاری از مردم با نهادهای اجتماعی دارد.

قدرت سیاسی، بنابر این معمولاً بستگی به قدرت و کاربرد منابع با همکاری گروههای مردمی دارد، همکاری که ممکن است ادامه پیدا کند و یا نکند. قدرت سیاسی بنابر این بالقوه آسیب پذیر و شکستنی است و همیشه بستگی به اجتماعی دارد که قدرت در برابر آن اعمال میشود. اطاعت و همکاری با رژیم لزوماً تضمین نشده است، و هر منبع قدرت در مقابل کاستی ها و محدودیتها آسیب پذیر است. جنبشهای نافرمانی مدنی میتواند مستقیماً هدفش ضربه زدن به منابع موجود باشد. و با توجه به چند عامل، این منابع را که مستعد تضعیف و از هم پاشی هستند هدف قرار دهد.

عدم همکاری و مخالفت و در مقابل اطاعت و همکاری که مورد نیاز منابع قدرت میباشد قرار میگیرد. برای مثال، رد صلاحیت و پذیرش حاکمان دلیل مهمی برای کاهش اطاعت از ناحیه دوطرف و مردم میشود. گسترش عدم اطاعت عمومی و مقابله با رژیم مشکلات طاقت فرسایی را بوجود می آورد. اعتصاب گسترده میتواند اقتصاد را فلج کند. عدم همکاری کاردهای اداری باعث سستی و عدم کارایی دولت میشود و تمرکز نیروی پلیس و ارتش میتواند باعث تحلیل رفتن ظرفیت قدرت رژیم شده و باعث ناتوانی آن برای سرکوب فعالان جنبش نافرمانی مدنی میشود. بدون در دست داشتن این منابع قدرت، قدرت رژیم کاهش یافته و سر انجام از میان خواهد رفت.

نوشت ، برخلاف عقیده عمومی حتی ۱۹۵۳ کارل دلیو دویچ دانشمند علوم سیاسی در سال مستبدترین دیکتاتورها متکی به حمایت مردم و اجتماعی است که بر آن حکم میراند.

### چهار طریق برای کسب پیروزی:

جنبش نافرمانی مدنی از چهار روش اصلی به موفقیت دست یافته است. این چهار روش مختلف با توجه به شرایط ویژه به موفقیت رسیده است، شکل اجتماعی مقاومت مردمی ، طبیعت نیروی چنانچه وجود داشته باشد)، مکانسیم تغییر و دگرگونی، (مخالف، انتخاب استراتژی بزرگ روشهای بخصوصی که بکار گرفته شده است، مهارت ، نظم ، یا فشاری نیروی مقاومت. فشار وارده ممکن است در درجات مختلف روانی، اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی باشد.

باضافه، جنبش نافرمانی مدنی بر ثبات اجتماعی یا سیستم سیاسی اثر میگذارد و نحوه عملش را تغییر میدهد. جنبش همچنین بر روند سیاستهایی که رژیم اعمال میکند اثر میگذارد. در بعضی از مبارزات نافرمانی مدنی در اثر عدم همکاری و مخالفت با رژیم، حکومت تضعیف شده و حتی ممکن است از هم بپاشد.

تفاوت عمده ای در اجرای نحوه مبارزه نافرمانی مدنی در شرایط متفاوت وجود دارد. برای مثال قدرت یک اعتصاب محلی برای افزایش دستمزد با مبارزه ای که در گروه اقلیت برای بدست آوردن حقوق بیشتر انجام میدهد و یا تلاشی که برای از میان برداشتن دیکتاتوری صورت میگیرد متفاوت است.

در صورت پیروزی ، تغییرات ممکن است در نتیجه اثر یکی از چهار مکانسیم صورت گیرد. ندرتا در نتیجه مبارزات نافرمانی مدنی نحوه عمل حاکمان را بصورت داوطلبانه تغییر داده است ، بالعکس اغلب عدم همکاری در مسائل سیاسی و اقتصادی مخالفان را وادار کرده است تا به توافق دست یابند. زمانیکه مخالفت و عدم همکاری بصورت گسترده ، با قدرت و با هدف گیری صحیح صورت گیرد و منابع مخالفان باندازه کافی تضعیف شود برای آنان راهی باقی نمی ماند مگر آنکه با فشار و قدرت نافرمانی مدنی تن به تسلیم دهند. در بعضی موارد مخالفت و عدم همکاری بصورتی گسترده است و منابع قدرت نیروی مخالف باندازه ای از هم پاشیده و تضعیف شده است که رژیم بسادگی از هم میپاشد.

### کار برد روش صحیح در جنبش نافرمانی مدنی

آیا میتوان جنبش نافرمانی را جایگزین مبارزات و برخوردهای مسلحانه و خشن در مبارزات اجتماعی کرد؟ در بعضی موارد پاسخ به این سؤال روشن است، بله، اما در موارد دیگر پاسخ ممکن است، احتمال دارد، شاید و یا نه باشد، این پاسخها بستگی به درجه درک اشخاص و راههای مبارزه و آشنایی آنها با ظرفیت مبارزه از این طریق دارد.

ممکن است کاربرد صحیح تر این راه مبارزه و اثر آنرا بیش از آنچه تاکنون بصورت خود بخود و فی البداهه انجام شده است آموخت. این امر با افزایش درک الزامات این نوع مبارزه و روشهای آن و طرح های ویژه و استراتژی کار برد این نوع مبارزه در آینده امکان پذیر است.

پیدا کردن راه قانع کننده ای بجای راههای توام با خشونت و آزمایش جنبشهای نافرمانی مدنی در آینده نیازمند آنستکه ما به نقش تکنیکهای مبارزه از طریق نافرمانی مدنی در حال و در آینده آگاه شویم. این امر بویژه در شرایطی که بسیاری از مردم و دولتها معتقدند هر دگرگونی نیازمند برخورد خشونت آمیز میباشد بسیار مهم است. پرسش اینست: درک ما از این تکنیک تا چه اندازه است و تا چه اندازه میتوانیم این تکنیک را با شرایط مبارزه هم آهنگ کنیم، و تا چه اندازه میتوانیم بصورت موثر این تکنیک را جانشین برخورد های خشونت آمیز کنیم. جنبشهای نافرمانی مدنی میبایستی جایگزین برخوردهای خشونت آمیز در مبارزات ذیل گردد.

- از میان بردن سیستم های دیکتاتوری،
- مقابله با کودتاهای تازه و جلوگیری از استقرار دیکتاتوری
- مقابله علیه تجاوز نیروهای خارجی و اشغال کشور
- حفظ زندگی عادی و معمول مردم،
- مبارزه در برابر نابرابری های اجتماعی و اقتصادی،-
- گسترش و حفظ و نگهداری و توسعه فعالیت های اجتماعی و حقوق بشر، و
- همکاری با جوامع دموکراتیک اضافه بر مبارزه از طرق نافرمانی مدنی

### کاهش تکیه بر جنگ و اقدامات خشونت آمیز

برای رسیدن به آنچه که ذکر شد، و برای مبارزات در شرایط ویژه، استراتژیهای عملی باید طرح و گسترش یابد تا بتواند جنبش های نافرمانی مدنی بصورت موثر به اجرا در آید. پس از آنکه چنین اقداماتی بعمل آمده و بصورت روز افزون بکار گرفته شد، این امر امکان پذیر میشود که پس از انجام هر مرحله ای جنبش نافرمانی مدنی برای دستیابی به هدف غایی راههای تازه تری را در پیش گیرد.

برای آنکه بتوان به هدف رسید، باید راههای تازه را برگزید و امکانات بالقوه مبارزه را توسعه بخشید در این راه نیاز به تحقیق بیشتر و تجزیه و تحلیل شرایط مبارزه و مطالعه استراتژی، و توسعه راههای رسیدن و طرحهای تازه و اراده و جسارت است. در این راه میبایستی از راهگشایی مسائل تاریخی، روانشناسی اجتماعی، جامعه شناسی، تئوریهای اجتماعی و سیاسی، عالمان علوم سیاسی، استراتژیستها، و هر آنچه که مورد نیاز است یاری جست. این امر بسیار مهم است که نه تنها جنبشهای نافرمانی مدنی مورد مطالعه قرار گیرد بلکه مسائل دیگر نیز مورد ارزیابی قرار گیرد از جمله ضعف و سستی و آسیب پذیری دیکتاتورها و سایر سیستمهای خود کامه. همچنین بسیار مهم است.

اگر بیاوریم چگونه ظرفیت و امکانات استراتژیک جنبش نافرمانی مدنی و نقشه ها و طرحهای آنرا در آینده گسترش و تعمیم دهیم.

کاربرد این تلاشها اغلب نیازمند آنستکه با نظری باز به تاسیسات جوامع مدرن و ملتهای قدرتمند و نیروهای بین المللی توجه کرد، چه کاربرد این روشها غالباً علیه تاسیسات اجتماعی این جوامع بکار گرفته میشود. تمرکز قدرت، سیاستهای نظامی بین کشورها، راهبرد روشهای سنتی برای حل مسائل، این امور و سایر عوامل در برابر جنبشهای نافرمانی مدنی قرار دارد که میبایستی در باره آنها فکر و چاره اندیشی نمود.

بهر صورت، چه جامعه راه برخورد خشونت آمیز را انتخاب نماید و چه راه نافرمانی مدنی را برگزیند در نهایت نتایج بسیار مهمی در ساختار اجتماعی و سیاسی جامعه دارد. بوضوح دیده میشود برخورد های خشونت آمیز در نهایت منجر به ایجاد یک سیستم سیاسی متمرکز و بالقوه غیر دموکراتیک و مستبد میشود.

تا کنون توجه کافی به ارتباط بالقوه جنبش نافرمانی مدنی و فشارهایی که از این جنبش ناشی میشود مبذول نشده است. تمرکز و تحقیق در این امر این امکان را بوجود می آورد که تغییرات اساسی و بنیادی در سیاستهای مدرن و ارتباطات بین المللی در جهت عدم تکیه و کاهش کاربرد خشونت بوجود آید.

تا چه اندازه ما موفق میشویم جنبش های نافرمانی مدنی را جانشین برخورد های خشونت آمیز و در نتیجه کاهش عمده ای در تکیه بر کاربرد قدرت نظامی و برخورد های خشونت آمیز نماییم بستگی به آن دارد تا چه اندازه ما از راههای جنبشهای نافرمانی مدنی بصورت موثر استفاده کرده و تا چه اندازه کاربرد آن را گسترش داده بجای برخوردهای خشونت آمیز استفاده کنیم. اینک پرسش غیر قابل اجتناب اینستکه آیا ما تلاش میکنیم تا تکنیکهای تازه و مناسب را اختیار کرده و در جنبشهای نافرمانی مدنی بکار گرفته و آنرا جایگزین برخوردهای خشونت آمیز کرده، از قدرت آن بصورت موثر استفاده کنیم.

## فصل دوم

### اهمیت طرح استراتژی در جنبش های مدنی غیر مسلحانه

استراتژی در بهترین شکل خود در برخورد هانظامی مورد استفاده قرار میگیرد. برای قرنهای افسران ارتش مسئولیت طرح ها و استراتژی نظامی را برای عملیات نظامی عهده دار بودند. این طرح ها را تجزیه و تحلیل Liddell Hart، Clausewitz، و Sun Tzu اندیشمندی چون کرده و مورد بررسی قرار دادند. در جنگهای معمول و عملیات چریکی، کاربرد پیچیده استراتژی لازمه موفقیت این عملیات است.

همانگونه که موفقیت عملیات نظامی بستگی به طرح استراتژی صحیح و آگاهانه دارد، طرح ریزی و به اجرا درآوردن عملیات مبارزاتی غیر مسلحانه و نافرمانی مدنی زمانی اثر گذار است که بر اساس یک استراتژی صحیح استوار باشد. شکل و پذیرش یک استراتژی آگاهانه به جنبش و حرکت غیر مسلحانه قدرت بیشتری میبخشد.

### اهمیت استراتژی.

زمانیکه کسی بخواهد کاری را به انجام برساند. شانس به هدف رسیدن زمانی بیشتر میشود که شخص تمامی امکانات و منابع موجود را بکار گیرد، که معنی آن طرح استراتژی است که شخص را از شرایط حال که هنوز به هدف خود دست نیافته به هدف خود یعنی زمانیکه هدف خود را بدست آورده است برساند.

استراتژی مربوط به طرح نقشه عملیاتی میشود که شخص را از شرایط کنونی به آنچه که هدف اوست در آینده برساند. برای مثال چنانچه شخصی میخواهد از جایی به جای دیگر سفر کند، این شخص میبایستی از پیش طرح ریزی کند که چگونه میخواهد به محل ثانویه برسد. آیا میخواهد تا محل تازه راه برود؟ با قطار برود؟ رانندگی کند؟ یا پرواز کند؟ حتی با این پیش بینی هنوز از طرح کامل خود برای این سفر بسیار دور است. آیا این شخص پول کافی برای پرداخت هزینه سفر و هزینه های دیگر در ارتباط با این سفر را دارد؟ چنانچه مسافرتش طولانیست کجا در راه میخوابد و یا غذا فراهم میکند. آیا مدارک لازم مانند پاسپورت را فراهم کرده است؟ آیا برای مسافرتش ویزا لازم دارد و چنانچه به ویزا نیاز دارد چگونه میتواند آنرا تهیه کند. آیا در غیاب وی کاری هست که کسی باید آنرا انجام دهد؟

بدین نحو فکر کردن و طرح ریختن که بعضی اشخاص خود در زندگی معموله و روزانه آنرا طراحی و به اجرا میگذارند میبایستی از طرف رهبران سیاسی و اجتماعی نسبت به مسائل سیاسی عمل شود. لیکن بهر صورت در طرح استراتژیک جنبش های مدنی و غیر مسلحانه بندرت توجه کافی نسبت به این مسائل میشود.

بعضی مردم ساده لوحانه گمان میکنند چنانچه اهدافشان را بسادگی و با قدرت و استحکام بیان کنند و این کار را بصورت مداوم انجام دهند، خواستشان بهر صورت به اجرا درمی آید. دیگران فکر میکنند اگر صادقانه به اصول اندیشه هایشان و ایدال هایشان پافشاری کنند و در مقابل دشمنانشان

مطمئننا تغییر شرایط اجتماعی، جلوگیری از تغییرات اجتماعی، از میان بردن اشغال خارجی و یا دفاع از جامعه در مقابل حمله بیگانه کاری بسیار پیچیده تر از برنامه ریزی برای یک سفر است. لیکن بندرت مردم برای رسیدن به چنین هدفی اهمیت تهیه یک استراتژی جامع و مانع را قبل از اجرای آن بروشنی تشخیص میدهند.

اغلب اوقات در جنبش های اجتماعی و سیاسی افراد و گروهها یی که دست اندر کارند نیاز طرح و استراتژی را برای رسیدن به مقصود تشخیص میدهند. اما اینکار را بصورت خیلی محدود و بر اساس طرح های کوتاه مدت و تاکتیکی انجام میدهند. آنها تلاش نمیکنند تا مرزها را معین کنند و یا طرح های بلند مدت و استراتژی کلی دست یافتن به اهدافشان را به اجرا بگذارند. آنها ممکن است فکر کنند که نیازی به این کار نیست و یا قادر نیستند که مسائل را تجزیه تحلیل نمایند. یا، با تمرکز بر روی مسائل جزئی و پاسخ به مسائلی که دشمنانشان مکررا ایجاد میکنند و یا با اعمالی که متزلزل و کوتاه مدت است از هدف بزرگ و اصلی خود مکررا منحرف میشوند. آنها ممکن است زمان و انرژی برای تهیه طرح استراتژی کلی و یا طرحهای جایگزین را که میتواند برای رسیدن به هدف اصلی، آنها را در کوششهایشان راهنمایی و مساعدت کند معین ننمایند. بعضی اوقات، همچنین باید قبول کرد، که مردم تلاش نمیکنند تا بر اساس استراتژی به هدفهایشان دست یابند. زیرا در باطنشان واقعا معتقدند که دست یابی به اهدافشان ممکن نیست. آنها خودشان را ضعیف و درمقابل قدرت فائق خود را ناتوان می انگارند. بنا بر این بهترین کاری که میتوانند انجام دهند بیان حقایق و اعتقاد به اینست که حق با آنهاست. در نتیجه تلاش نمی کنند تا فکر کنند و نقشه استراتژیک برای رسیدن به اهدافشان طرح نمایند.

نتیجه کوتاهی برای طرح استراتژیکی رسیدن به هدف، آن خواهد شد که شانس رسیدن به هدف را بصورت جدی کاهش میدهد و زمان و قدرت از دست میرود و عملیات بی اثر میشود. فداکاریها بی ثمر میماند و در نهایت کاری برای دست یابی به هدف انجام نمی شود. عدم طرح استراتژی نتیجه اش شکست و دست نیافتن به اهداف گروه و یا سازمان است.

نتیجه عدم تنظیم یک طرح استراتژیکی عملیات همه جانبه

ا: هرز رفتن انرژی و انحراف آن از پرداختن به مسائل اصلی و صرف آن برای مسائل فرعی و غیر ضروری است

ب: موقعیت برای پیشرفت در جهت اهداف سازمانی از دست میرود

پ: ابتکارهای دشمن تعیین کننده مسیر حوادث و مسائل میشود

ت: ضعف یک طرف افزایش یافته و اثرات منفی بر روی تلاش برای رسیدن به هدف میگذارد. و بالاخره تلاش برای رسیدن به هدف شانس بسیار کمی برای موفقیت پیدا میکند.

بالعکس طرح و پذیرش یک استراتژی حساب شده شانس موفقیت را افزایش میدهد. گام برداشتن در جهت و بر اساس استراتژی تعیین شده یک سازمان را قادر میسازد که تمرکز قدرت و عملیات

## شکل یک استراتژی آگاهانه:

انتخاب یا شکل یک استراتژی آگاهانه نیازمند

ا: احساس و درک عمق و دقیق طرحی است که مبارزه برای دستیابی به آن صورت می گیرد.

ب: شناخت تفاوت بین اینکه در کجا قرار دارد و در کجا میبایستی قرار بگیرد

پ: ارزیابی و شناخت موانع دست یابی به هدف و عواملی که میتوانند رسیدن به هدف را همراهی و مساعدت کنند

ت: ارزیابی نقاط قدرت و ضعف دشمن و ارزیابی گروههای دیگر که ممکن است همکاری و مساعدت کنند و یا مانع از رسیدن به اهداف و مبارزه شوند

ث: بررسی و ارزیابی راههای مختلف و محدودیتهایی که هر یک در عمل میتوانند با آن مواجه شوند و یا امتیازاتی که راههای دیگر مبارزه در مقایسه با راههای دیگر دارند

ج: انتخاب مسیر راه موجه و قابل اعتماد در میان راههای موجود یا طرح استراتژی جامع و مانع تازه

چ: شناخت طرح کلی عملیاتی که معین کننده تاکتیکهای فرعی و کوچک در عمل بوده و در مسیر کلی مبارزه قرار دارد، مثلا تاکتیکهای ویژه محلی یا عملیات کوتاه مدت یا اقداماتی که در جهت کلی مبارزه برای رسیدن به هدف است

## طرح نقشه عملیاتی در سطوح مختلف

در تهیه یک طرح استراتژیک افراد باید درک کنند که طرح استراتژی و نقشه عملیاتی در سطوح مختلف متفاوت است. در بالاترین سطح طرح بزرگ قرار گرفته است. و سپس خود استراتژی است که تاکتیکها و روشهای مختلف بدنبال آن و در جهت و مسیر دستیابی به هدف اصلی قرار دارد

استراتژی بزرگ مجموعه طرحهایی است که در خدمت و هماهنگ کننده تمامی منابع مناسب و قابل دسترسی (منابع اقتصادی، انسانی، اخلاقی، سیاسی، سازمانی و مانند اینها) مردم یا سایر گروههایی است که میتوانند در خدمت اهداف نبرد باشند.

استراتژی بزرگ شامل در نظر گرفتن حقانیت نبرد و ارزیابی سایر عواملی که میتواند در نبرد موثر باشد و انتخاب ففونی که در نبرد میتواند بکار گرفته شود نیز میگردد (برای مثال نافرمانی مدنی، سیاستهای جهانی، جنگهای چریکی یا جنگهای منظم)، و همچنین نحوه رسیدن به اهداف و نتایج بلند مدت آن میگردد.



استراتژی بزرگ چهار چوبه اصلی انتخاب راههای نبرد و محدودیتها آنرا برای شروع نبرد مشخص میکند. طرح چنین نقشه ای شامل عملیات گروههای ویژه و همچنین تخصیص منابع برای بکار گرفتن در عملیات نیز میشود. با اضافه استراتژی بزرگ شامل بررسی عملیات و ارتباط آن با هدفهایی که نبرد بخاطر آن آغاز شده است نیز میگردد. استراتژی بمفهوم اینستکه به بهترین شکل بتوان به اهداف نبرد دست یافت، با خشونت و یا با نافرمانی مدنی. استراتژی در پی آنست که بداند برای رسیدن به نتیجه نبرد چگونه یا چه موقع نبرد را آغاز کرد تا بتواند حد اکثر نتیجه را ببار آورد. استراتژی نقشه ایست برای تقسیم عملی و منطبق کردن و بکار گیری منابع موجود برای بدست آوردن نتیجه دلخواه.

استراتژی میتواند شامل تلاش برای توسعه موقعیت استراتژی نیز باشد تا با استفاده از موقعیتها بدون نیاز به مبارزه باز به نتیجه برسد. استراتژی پایه اولیه و طرح اولیه چگونگی توسعه نبرد است و اینکه چگونه عوامل مختلف میتوانند با هم جمع شده و به اهداف مورد نظر دست یابند. استراتژی شامل بررسی نتیجه عملیات ویژه و توسعه و ترمیم طرح عملیات گسترده، تخصیص و مهارت در اعزام گروههای کوچک عملیاتی، بررسی نیازهای عملیاتی در راه پیروزی در نبردها و انتخاب فنون عملیاتی، و استفاده صحیح از پیروزیها نیز میشود.

استراتژی عملیاتی در درون استراتژی بزرگ قرار گرفته و فنون و روشها عملیاتی برای به اجرا گذاردن استراتژی بکار گرفته میشود. فنون و روشهایی باید مورد استفاده قرار گیرد که بتواند به شرایط و الزامات مبارزاتی که نهایتاً به پیروزی ختم میشود کمک کند.

در تنظیم استراتژی مبارزه از طریق نافرمانی مدنی موارد ذیل میبایستی دقیقاً مورد نظر گرفته شود: هدف، منابع و قدرت خودی؛ اهداف، منابع و قدرت طرف مقابل؛ نقش واقعی و احتمالی گروهها و اشخاص ثالث؛ امکانات طرف مقابل در طول مبارزه و تجهیزات تهاجمی و تدافعی که در دست دارد؛ شرایط مورد نیاز برای پیروزی، نیروی مورد نیاز برای انجام عملیات و تنظیم شرایط برای تغییرات مورد نیاز.

تاکتیک عبارت است از طرح عملیات محدود، که برپایه این اصل قرار گرفته است که چگونه به بهترین شکل نیروی انسانی و وسائل مورد نظر را برای نبرد و دست یافتن به اهداف محدود تجهیز کرد، تاکتیک محدود در داخل استراتژی گسترده تر قرار گرفته است. تاکتیک برای به انجام رساندن عملیات محدود که در داخل استراتژی بزرگ قرار دارد جای میگیرد. یک تاکتیک خاص تنها میتواند بعنوان گوشه ای از استراتژی جامع در نبرد و مبارزه قابل تفهیم باشد. تاکتیک با روشهای ویژه و یا چگونه عملیات گروههای معین مبارزاتی در شرایط بخصوص مرتبط است. تاکتیکها در کوتاه مدت و یا در نواحی کوچکتر (جغرافیایی. سازمانی...) و یا با تعداد کمی از مردم و یا برای اهداف کوچک و یا ترکیبی از آنها بکار گرفته میشوند و حال آنکه استراتژی در بلند مدت مورد نظر است.

روشها به اقدامات بخصوصی که در درون تاکتیکهای جنبش نافرمانی مدنی قرار دارد گفته میشود. این روشها شامل دهها شکل مبارزاتی میباشد مانند بسیاری از انواع اعتصابات، بایکوتها، شکل مختلف مبارزه نافرمانی مدنی که در تاریخ ۱۹۸۸ عدم همکاری سیاسی و مانند اینها. (لیست مبارزاتی کشورها بکار گرفته شده است در ضمیمه دو آمده است.)

پیشرفت یک طرح استراتژیک مسئول و موثر برای یک جنبش نافرمانی مدنی بستگی به شکل دقیق و انتخاب استراتژی بزرگ و جامع، و استراتژیهای فرعی و تاکتیکها و روشهای مبارزه دارد.

### بعضی از عوامل کلیدی استراتژی نافرمانی مدنی

یک استراتژی مشخص برای بکار بردن در جنبش نافرمانی مدنی که قابل استفاده در همه شرایط باشد وجود ندارد. در حقیقت، تکنیک نافرمانی مدنی خود اشکال مختلف استراتژیها را برای شرایط مختلف مبارزه امکان پذیر میسازد. باضافه، جنبش نافرمانی مدنی در یک استراتژی جامع و بزرگ با سایر اشکال مبارزه تلفیق و ترکیب میشود. لیکن این بدان معنی نیست که جنبش نافرمانی مدنی با تمامی تکنیکهای مبارزه هم خوانی دارد. برای مثال بکار بردن زور و خشونت همراه با نافرمانی مدنی روند مبارزه را از مسیر خود خارج کرده و به آن آسیب میرساند و در بهترین شرایط آنرا بی اثر، و در بدترین شرایط باعث شکست مبارزه خواهد شد.

بهر صورت بنظر روشن است که بکار بردن امکانات آموزش عمومی، که مورد نظر و خواست مخالفان و مذاکره و اقداماتی شبیه به آن در بسیار از موارد میتواند به نفع جنبش نافرمانی مدنی باشد. این امکانات اغلب در کنار بایکویت اقتصادی و اعتصابات کارگری بکار گرفته میشود. طرح و نقشه جنبش نافرمانی مدنی اصل اولیه مبارزه بشمار میرود. طرح جنبش را شما باید بنحوی تهیه کنید که امکان موفقیت آن با تکیه به خود شما امکان موفقیت داشته باشد. چارلز استوارت پارنل به رعایای ایرلند در طی اعتصاب برای پرداخت مال الاجاره بین سالهای خطاب به رعایای ایرلندی گفت بخودتان تکیه داشته باشید و نه به هیچ کس ۱۸۸۰ تا ۱۸۷۹ دیگر.

فرض کنید طرح و نقشه یک جنبش قدرتمند نافرمانی مدنی تهیه شده و بکار گرفته میشود. برای پیروزی طرح خوب است که کمک های محدودی از دیگران گرفت، اما پیروزی در جنبش میبایستی با تکیه به گروه طراح طرح جنبش نافرمانی مدنی صورت گیرد. زیرا اگر هیچ گروه دیگری کمک و یاری نکند، طرح و نقشه مبارزه همچنان براه خود ادامه میدهد و همچنان امکان موفقیت و پیروزی دارد. بهر صورت چنانچه مسئولیت پیروزی و شکست به دیگران داده شود چنانچه این گروهها قدم پیش نگذارند جنبش با شکست مواجه میشود. بهر روی، در صورتی که جنبش نافرمانی مدنی با قدرت عمل کند و بتواند گروههای انبوهی از مردم را بخود جلب نماید، بنظر میرسد که در این حال حمایت خارجی را نیز کسب خواهد کرد. شکست و یا پیروزی جنبش تنها در ارتباط مستقیم با تلاشی است که در اجرای طرح صورت میگیرد.

ترکیب یک استراتژی آگاهانه و تاکتیکهایی که در یک جنبش نافرمانی مدنی بکار برده میشود نیازمند آگاهی کامل نسبت به قدرت و هماهنگی جنبش نافرمانی مدنی دارد. آنچنانکه در سیاست و عمل جنبش نافرمانی مدنی آمده است ( برای آگاهی بیشتر به ضمیمه سوم مراجعه کنید). در جنبش نافرمانی مدنی لازم است توجه کامل به پیشرفت طرح جنبش و نحوه پیاده کردن آن که سبب تسهیل عملیات میشود نمود. و اقداماتی را که در صورت اجرا سبب ایجاد اختلال در عواملی که میتوانند در نتیجه بخش بودن جنبش موثر باشند کنار گذاشت.

باید به عوامل دیگری نیز که میتوانند در جنبش نافرمانی مدنی موثر واقع شوند توجه کافی نمود، برای مثال عوامل روانی، اخلاقی، جغرافیایی، تعداد نفرات و قدرت آنها، ارتباط بین مسائل، و تمرکز قدرت، حفظ روند ابداع و تغییرات در مسیر جنبش نافرمانی مدنی که در صورت به اجرا در آمدن میتواند به اجرای اهداف استراتژی و تاکتیکهای مبارزه کمک نمایند. با وجود آنکه طرح استراتژی دستیابی به اهداف مورد نظر را تضمین نمیکند، اما باعث میشود تا جنبشهای اجتماعی و سیاسی موثر تر عمل کنند و امکان پیروزی جنبش نافرمانی مدنی را بالاتر میبرد.

## فصل سوم

### مراحل برنامه ریزی استراتژیک برای مبارزات بدور از خشونت علیه رژیم های مستبد

مبارزه بدور از خشونت روشی است برای ایجاد برخورد از طریق اعتراض، عدم همکاری و اقدام جهت از میان بردن نظم با بکار گرفتن راهکارهای اجتماعی، روانی، اقتصادی و سیاسی. این روش مبارزه بر پایه کاربردهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و روحیه مقاومت و سرسختی و قابلیت های مخالفان و ایستادگی آنان استوار است. به بیانی دیگر مردم میتوانند کاری را که از آنان خواسته میشود انجام ندهند و کاری را انجام دهند که از انجام آن ممنوع شده اند.

همه حکومتها بقایشان بر همکاری و اطاعت مردم استوار است. زمانیکه مردم عدم همکاری با دولت را انتخاب کنند و از انجام آنچه حکومت از آنان میخواهد خودداری کنند، دولت ستونهایی که وزنش بر آن استوار است را از دست داده و ناگزیر به سقوط است.

جنبش عدم خشونت و نافرمانی مدنی در برابر ظلم و ستم در طول تاریخ به اشکال مختلف مورد استفاده قرار گرفته است، و به مقابله با دیکتاتوری، اشغال نیروهای خارجی، و به دفاع از اقلیتهایی که مورد نفرت واقع شده اند پرداخته و آزادی را گسترش داده است.

چنین جنبشهایی در گذشته بدون آنکه مردم اهداف خود را روشن نمایند و بدون آنکه بدرستی بدانند الزامات دستیابی به اهدافشان چیست فی البداهه دست به اقدام میزدند. بعضی از این جنبشها نشان دهنده اینستکه تا حدودی طرح و برنامه در انجام جنبش نافرمانی مدنی وجود داشته اما ندرتا چنین جنبشی با توجه با وجود استراتژی بزرگ صورت گرفته و طرحی برای گسترش و چگونگی مبارزه بصورت کلی وجود داشته است. در شرایط کنونی گروههایی که درگیر جنبش نافرمانی مدنی هستند نیازی به ابداع دوباره راهها و روشهای مبارزه ندارند چه با درک عمیق روش مبارزه نافرمانی مدنی و مشارکت در استفاده درست از روشهای غیر خشونت آمیز و یا با طرح های بلند مدت، جنبش نافرمانی مدنی و غیر خشونت آمیز بسیار موثرتر واقع میشود.

### اصول برنامه ریزی استراتژیک

ذیلا برخی از ارکان اصلی مورد نیاز برای طرح ریزی مبارزه غیر خشونت آمیز ذکر شده است:

#### مرحله اول: ارزیابی و تجزیه و تحلیل اولیه

- بررسی مسائل مطروحه آنچنانکه مدّ نظر هر دو طرف متخاصم میباشد.

- بررسی و تجزیه و تحلیل سیستم موجود در جامعه یا کشور از نظر فرهنگی، سیاسی، و اجتماعی - اقتصادی، و همچنین توزیع جمعیت.

- آماده کردن تخمینی استراتژیک بمعنی مشخص کردن نقاط ضعف و قدرت دو طرف منازعه.

این امر شامل شناسایی منابع قدرت طرفین مخاصمه و سازمانهایی میشود که بعنوان ستونهای حمایت کننده و مورد اتکای قدرت عمل میکنند. بررسی منابعی که در اختیار و تحت کنترل هر طرف میباشد و میزان وابستگی هر طرف به طرف دیگر برای بر آوردن احتیاجات خاص و مقایسه قدرت مبارزه طرفین. و بررسی قدرت نسبی دو طرف منازعه.

- شناسایی منبعی از منابع قدرت طرف متخاطم که میتواند برای تضعیف و یا نابودی وی هدف قرار گیرد.

- شناسایی و بررسی نقش بالقوه و موضع اشخاص ثالث در منازعه، از جمله افشار وسیع ببطرف نسبت به منازعه.

- شناسایی عوامل خارجی دیگری که میتواند بر اتخاذ شیوه های عمل اثر بگذارد، این امر شامل شناخت اوضاع جغرافیایی، هوا، وضعیت جوی و مسائل زیر بنایی و غیره میشود.

- شناسایی سایر اهرم ها و فشارهایی که ممکن است نیروهای مقاومت را به اهدافشان برساند.

بررسی عواملی فوق برای دستیابی به این نتیجه که آیا با توجه به شرایط موجود، در یک چهار - چوب زمانی خاص، آیا امکان بر پایی مبارزه بدور از خشونت وجود دارد یا نه، و کدامیک از این شرایط ثابت و کدام متغیر بوده و کدام یک میتواند مستقیماً تحت تاثیر جنبش نیروهای مقاومت و یا طرف مقابل قرار گیرد.

### مرحله دوم: توسعه استراتژی

- طرح و برنامه ریزی استراتژی بزرگ برای مراحل مختلف و در کلیت مبارزه. اهداف مبارزه بطور روشن و مشخص میبایستی شناسایی شده و محاسبه شود که چگونه جنبش نافرمانی مدنی میتواند برای دست یافتن به اهداف مورد نظر عمل کند. این امر جامع، دراز مدت و ایده اصلی بر پایی مبارزه است، در این راه کلیه منابع مناسب و در دسترس میبایستی با هماهنگی و تحت هدایت گروه مبارز عمل کند.

- آیا میتوان به هدف اصلی منازعه با یک مبارزه تمام عیار دست یافت؟ اگر چنین است، برای به انجام رساندن آن برنامه ریزی کنید. در غیر اینصورت، مبارزه میبایستی بصورت مرحله ای و گام بگام پیش رود و شامل مبارزات محدودتر برای دستیابی به مقاصد ثانویه ولی با اهمیت به انجام برسد.

- استراتژی برای نبردهای محدود و مجزا برای اهداف معین طرح ریزی میشود تا در طی دوران جنبش به این اهداف دست یافت. اینجاست که چهار چوب استراتژی بزرگ دقیق تر میشود تا بتواند در طرح و برنامه ریزی مبارزات به سؤالاتی چون، کی، چه کسی، چه، کجا، کی، چه وقت و چگونه پاسخ دهد

- تاکتیک های خاص کوتاه مدت و روشهای ویژه عملیاتی که میتواند برای اهداف انتخاب شده به اجرا در آید انتخاب کنید. بسیار حائز اهمیت است که روشها و تاکتیکهایی را انتخاب کنید که در داخل چهار چوبه استراتژیک مبارزه خاص قرار گرفته و این انتخاب میبایستی بعد از طرح استراتژی بزرگ باشد تا با این طرح همخوانی و هماهنگی داشته باشد. اعتراض، متقاعد کردن مردم و تحریک آنان، عدم همکاری و مداخله از جمله روشهایی است که در جنبش نافرمانی مدنی و یا جنبش بدور از خشونت بکار گرفته میشود. بعضی از این روشها از بقیه با توجه به شرایط، بهتر بکار میآید و این امر بستگی زیادی به استراتژی بزرگ و هدف کلی، ارزیابی استراتژیک و هدف یک مبارزه مشخص دارد. پاره ای از روشها در امر محدود کردن و ایجاد مشکل در منابع قدرت رژیم از سایر روشها موثر تر است.

اطمینان حاصل کنید که طرح استراتژی اتخاذ شده با اهدافش، انواع فشارهای اعمال شده، - تاکتیک ها و روشهای انتخاب شده همخوانی و هماهنگی داشته باشد.

### مرحله سوم: ایجاد ظرفیت و توان مبارزاتی

- اطمینان حاصل کنید که استراتژی انتخاب شده برای مبارزه، در ظرفیت و توان مبارزاتی مردم باشد. چنانچه استراتژی انتخاب شده در این محدوده قرار نگیرد میبایستی تلاش گسترده ای بعمل آید تا توان مبارزاتی مردم بالا رود در غیر اینصورت میبایستی روشهای اتخاذ شده مورد تجدید نظر قرار گیرد.

- تشکیلات و موسساتی که تحت کنترل مخالفان قرار ندارند و در استراتژی بزرگ و در طی مراحل جنبش ممکن است برای عدم همکاری و سرپیچی از دستورات مخالفان مورد استفاده قرار گیرند میبایستی تقویت شوند.

- طرح کمک به شخص ثالث در مراحل مبارزه بدون تکیه به آن میبایستی - در دستور کار مبارزه قرار گیرد.

### مرحله چهارم: مبارزه علنی

- قدرت نیروی مقاومت میبایستی علیه نقاط ضعف مخالفان متمرکز شده تا بتوان بر اساس طرح استراتژی بزرگ، و استراتژی محدود و روشهای انتخاب شده، بخصوص در محدود کردن و فشار بر منابع قدرت مخالفان، به اهداف مورد نظر دست یافت.

- اطمینان حاصل شود از اینکه طرح استراتژیک به شکلی منضبط و بدور از خشونت که منجر به تضعیف مخالفان میشود اعمال گردد.

- اطمینان حاصل شود فعالیتهای جنبش باعث تقویت نیروی مقاومت میگردد.

- اطمینان حاصل شود که نیروهای مقاومت به منابع حیاتی دسترسی دارند.

- متزلزل نگاه داشتن مخالفان

- نادیده گرفتن سرکوب مخالفان و ادامه مبارزه بدون خشونت، بشکلی که از پیش تعیین شده است.

- جنبش مقاومت میبایستی بر اساس شرایط خود به پیش رفته و تحت تاثیر شرایط نیروی بازدارنده و مخالف دست به اقدام نزند. جنبش مقاومت میبایستی ابتکار عمل را در دست داشته تا ناگزیر به عکس العمل نگردد.

- ارزیابی مداوم و برآورد مبارزه بر اساس برنامه استراتژیک

### مرحله پنجم : پایان مبارزه

- موفقیت، شکست و یا ترکیبی از ایندو.

- انجام یک ارزیابی نهایی و برنامه ریزی برای آینده.

<sup>5</sup> اصول ذکر شده نکاتی مقدماتی در اعمال استراتژی مبارزه بدور از خشونت میباشند.

---

<sup>5</sup> برای جزئیات بیشتر در مورد برنامه ریزی استراتژیک به ماخذ زیر مراجعه نمایید

## ضمیمه اول

### فرهنگ واژه های مهم در جنبش غیر خشونت آمیز (نافرمانی مدنی)

#### **Accommodation:**

مکانیزم تغییر در جنبش نافرمانی مدنی که در آن مخالفان جنبش رو به تحلیل میروند، در حالیکه هنوز این امکان را دارند تا با جنبش به مصالحه دست یابند و بعضی درخواستهای جنبش را جامه عمل بپوشانند. این مکانیزم زمانی بوقوع میپیوندد که مخالفان جنبش نظریات خود را هنوز تغییر نداده و هنوز مجبور به پذیرش درخواستهای جنبش نیستند، اما به این نتیجه رسیده اند که مصالحه با جنبش نافرمانی مدنی مطلوب و به صلاحشان میباشد.

این مرحله گزار چنانچه ادامه یابد ممکن است به مرحله ای برسد که تغییرات و دگرگونیها به اجبار صورت گیرد و یا به از هم پاشی رژیم و سیستم مخالف منتج شود.

#### **Authority:**

اقتدار است که به قضاوت، تصمیم گیری، پیشنهاد، اوامر و دستورات بعضی اشخاص و سازمانها که بصورت داوطلبانه از طرف مردم پذیرفته میشود و با همکاری و اطاعت آنان به اجرا در می آید اطلاق میشود. اقتدار منبع اصلی قدرت سیاسی محسوب میشود، اما با آن یکی نیست.

#### **Boycott:**

عدم همکاری، که میتواند بصورت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامه عمل بپوشد.

#### **Civic abstention:**

مترادف با جنبش عدم همکاری سیاسی بکار گرفته میشود.

#### **Civic action:**

مترادف با جنبش نافرمانی مدنی و یا غیر خشونت آمیز برای مقاصد سیاسی بکار گرفته میشود.

#### **Civic defiance:**

جنبش اعتراضی غیر خشونت آمیز و نافرمانی مدنی که به اشکال مختلف از جمله مقاومت در برابر نیروی مخالف در جهت اهداف سیاسی صورت میگیرد.

#### **Civic resistance:**

مترادف با مقاومت و ایستادگی در برابر نیروی مخالف از طریق نافرمانی مدنی و با هدف سیاسی صورت میگیرد.

#### **Civic strike:**



اعتصابات اقتصادی بدلائل سیاسی و با هدف رکود و خواباندن اقتصاد صورت میگیرد. نه تنها کارگران ممکن است دست به اعتصاب بزنند بلکه دانشجویان، استادان، مغازه داران، کارمندان (شامل کارمندان دولت) و طبقه مرفه و بالای اجتماع در اعتصابات شرکت میکنند.

### **Civic Disobedience:**

عدم رعایت عمدی و ارادی و نادیده گرفتن بعضی قوانین، دستورالعملها، مقررات، فرامین و دستورات مقامات انتظامی و نظامی و مانند آنها.

این قوانین معمولاً قوانینی هستند که غیر اخلاقی، غیر عادلانه و یا مستبدانه تلقی میشوند. بعضی اوقات قوانین و مقرراتی که معمولی تلقی میشوند بعنوان نشان و سنبلی از مخالفت در برابر حکومت نادیده گرفته میشوند.

### **Conversion:**

تغییر نقطه نظرات مخالفان که علیه آنها جنبش نافرمانی مدنی و غیر خشونت آمیز بکار گرفته شده است. مانند آنکه مخالفان به این نتیجه میرسند که با اهداف جنبش موافقت کنند. این یکی از چهار کانیزم تغییر در جنبش نافرمانی مدنیست.

### **Disintegration:**

چهارمین مکانیزم در جنبش نافرمانی مدنی دگرگونی محسوب میشود که در طی آن مخالفان جنبش بسادگی تن به دگرگونی نمی دهند اما در اثر عدم همکاری و مقاومت عمومی مردم سیستم و یا حکومت تجزیه شده و از هم میپاشد. منابع قدرت در اثر عدم همکاری مردم به اندازه ای محدود شده، دچار آسیب میشود که حکومت بسادگی از هم پاشیده شده و از میان میرود.

### **Economic shut-down:**

فعالیتهای اقتصادی در شهرها، مناطق یا کشور در سطح گسترده ای متوقف و معلق شده و اقتصاد را فلج و زمین گیر میکند. انگیزه عدم فعالیت اقتصادی و متوقف نمودن آن معمولاً سیاسی است.

### **Freedom (political):**

شرایط سیاسی که به اشخاص و گروهها اجازه میدهد تا آزادانه در تصمیم گیریها و اقدامات اجتماعی و در درون سیستم سیاسی فعالیت نمایند.

### **Grand strategy:**

گسترده ترین شکل و راهکار چگونگی دستیابی به اهداف مورد نظر از طریق انتخاب مسیر و چگونگی عملیات در یک برخورد سیاسی محسوب میشود. استراتژی بزرگ تمامی امکانات انسانی، سیاسی، اقتصادی، اخلاقی و غیره را برای رسیدن به هدف در مبارزه خود به خدمت میگیرد.

استراتژی های محدودتر ممکن است در داخل استراتژی بزرگ برای رسیدن به اهداف ویژه و در خدمت هدف بزرگ بکار گرفته شود.

### **Grievance group:**

نارضاعی، شکایت و دادخواهی گروه‌های مردمی که نارضاعی آنان موضوع و منتج به مبارزه نافرمانی مدنی شده و شرکت کنندگان در جنبش نافرمانی مدنی و غیر خشونت آمیز بخاطر دادخواهی و شکایت آنها بپا خواسته اند.

### **Human resources:**

این واژه در ارتباط با افراد و گروه‌هایی در میان مردم و سازمان‌هایی که از حکومت اطاعت میکنند و به فرمان حکومت گردن نهاده و با آن همکاری و مساعدت میکنند تا نظریات و اهدافش را به اجرا درآورد اطلاق میشود.

نیروی انسانی یکی از منابع قدرت سیاسی محسوب میشود و قدرت حاکمان تحت تاثیر دسترسی به این منبع قرار دارد.

### **Material resources:**

منبع دیگر قدرت سیاسی در ارتباط با مالکیت، منابع طبیعی، و منابع مالی، سیستم اقتصادی، و مسائل ارتباط همگانی، و روش حمل و نقل میباشد. میزان کنترلی و عدم کنترلی که فرمانروا یا حاکم بر این منابع دارد تعیین کننده درجه و میزان قدرت حاکم است.

### **Mechanisms of change:**

جنبش‌های نافرمانی مدنی و غیر خشونت آمیز چهار مرحله را با موفقیت برای دستیابی به اهدافشان طی کرده اند. چهار مکانیزم دگرگونی و تغییر، مرحله گزار و مصالحه نیروی حاکم، اجبار و تبعیت نیروی حاکم بعلت فشار جنبش نافرمانی مدنی و بالاخره مرحله فروپاشی و متلاشی شدن نیروی حاکم مراحل است که تا موفقیت این جنبشها طی شده است.

### **Methods:**

راه‌های ویژه ای که جنبش‌های نافرمانی مدنی و غیر خشونت آمیز بکار گرفته است. نزدیک به دویست روش و راه ویژه تا کنون مشخص شده است. این راهها و روشها در سه طبقه بندی اصلی قرار گرفته اند. تظاهرات غیر خشونت آمیز و متقاعد کننده و محرک، عدم همکاری، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و بالاخره مداخله غیر خشونت آمیز.

### **Noncooperation:**

یکی از بزرگترین روش‌های اعمال نافرمانی مدنی در ایجاد ارادی محدودیتها، عدم ادامه یا خودداری کردن از همکاریهای اجتماعی، اقتصادی و یا سیاسی و یا مجموعه ای از آنها، در جهت عدم تایید شخص، اقدامات و فعالیتها، سازمانها و یا رژیم است.

روشها عدم همکاری در ضمیمه بخش عدم همکاری اجتماعی، اقتصادی و بایکوت و اعتصابات کارگری و عدم همکاری سیاسی آمده است.

### **Nonviolence (religious or ethical):**

عقاید و اعمال و اقدامات خشونت آمیز که بموجب بعضی اعتقادات و پندارها ممنوع شده است. در بعضی از سیستم های پنداری نه تنها اعمال خشونت ممنوع شده بلکه افکار و گفتار خشونت آمیز

نیز ممنوع گردیده است. بعضی از سیستم های پنداری به اضافه رفتار و اعمال مثبت را نسبت به مخالفان خود تشویق کرده و حتی مفهوم مخالفان و دشمنان را رد کرده اند.

باورمندان به چنین پندارهایی ممکن است به دلایل عملی در جنبش های غیر خشونت آمیز و نافرمانی مدنی با مردم هماهنگی کرده و یا ممکن است از شرکت در چنین جنبشهایی خود داری کنند.

### **Nonviolent action:**

نافرمانی غیر خشونت آمیز بصورت عمومی بشکل اعتراض، مقاومت و یا مداخله بدور از خشونت اعمال میشود.

نافرمانی مدنی یا غیر خشونت آمیز ممکن است با ترک عمل، که شرکت کنندگان بصورت معمول، و بشکل عادت و رسم و یا در پیروی از قانون و مقررات انجام میشود ترک فعل نمایند. و یا در حالت عکس آن شرکت کننده گان در جنبش نافرمانی مدنی دست به اعمالی بزنند که در حالت عادی و بشکل عادت و رسم بصورت معموله از انجام آن خود داری میکردند و یا بموجب قانون و مقررات آن اعمال قدغن شده بوده است. و یا ممکن است نافرمانی مدنی همراه با ترکیبی از فعل و ترک فعل صورت گیرد.

این اصل شامل روشهای ویژه و یا مجموعه ای از روشها میشود که در سه گروه طبقه بندی میشوند. اعتراضات غیر خشونت آمیز، محرک و ترغیب کننده، عدم همکاری، و مداخله غیر خشونت آمیز.

### **Nonviolent coercion:**

مکانیزم دگرگونی و تغییر در جنبش نافرمانی مدنی، در حالتی که علیرغم میل و اراده نیروی حاکم درخواست های شرکت کنندگان در جنبش غیر خشونت آمیز بعزت از دست رفتن کنترل موثر حاکمان ناشی از عدم همکاری و مقاومت جنبش، جامه عمل بخود میپوشد. بهر صورت حاکمان و نیروی مخالف جنبش هنوز در مقامات و موقعیت های خود قرار دارند و سیستم هنوز از هم نپاشیده است.

### **Nonviolent insurrection:**

قیام و طغیان سیاسی عمومی مردم از طریق عدم همکاری عمومی و مقاومت علیه رژیم مستقری که بعنوان یک رژیم مستبد شناخته شده است.

### **Nonviolent intervention:**

روشهای مختلفی که در جنبش نافرمانی مدنی و غیر خشونت آمیز در زمان برخورد مستقیم علیه مخالفین جنبش بکار گرفته میشود. این روشها از دو جنبه سنبلیک و نمادی وضعیت روشن و شاخصی بخود میگیرد مانند تظاهرات، اعتراضات و عدم همکاری با نیروی حاکم. این اقدامات مداخله جویانه اغلب شکل فیزیکی، اعتصابات نشسته، بخود میگیرد اما ممکن است روانی، اجتماعی، اقتصادی و یا سیاسی باشد.

### **Nonviolent protest and persuasion:**

روشهای مختلفی است که جنبش نافرمانی مدنی بکاری میگردتا از طریق این اقدامات که بیشتر جنبه نمادی و سنبلیک مانند بیان عقاید جنبش، تلاش برای تشویق مردم برای تظاهرات شبانه، راهپیمایی، یا اعلامیه پخش کردن دارده بیان نظریات خود در مقابل مخالفان میپردازد. در این مرحله جنبش به اقدامی و رای بیان نظریات و عقاید خود و تشویق مردم در جهت همراهی جنبش انجام نمی دهد و کوششی در جهت عدم همکاری با نیروی حاکم مانند اعتصابات و یا اقداماتی نظیر اعتصابات نشسته بعمل نمی آورد.

### **Nonviolent struggle:**

حرکت مصمم جنبش نافرمانی مدنی و غیر خشونت آمیز به شکل نیرومند خود، بویژه علیه قدرت مخالف که منابع قدرت را در دست دارد و در پاسخ به جنبش نافرمانی مدنی میتواند به سرکوبی جنبش اقدام نماید.

### **Nonviolent weapons:**

راههای ویژه و طرق بخصوصی که جنبش نافرمانی مدنی بخدمت میگیرد.

### **Pillars of support:**

مؤسسات و بخشهایی از جامعه که از رژیم موجود با استفاده از منابع مورد نیاز رژیم از سیستم موجود حمایت کرده در حفظ و گسترش ظرفیت و قدرت آن تلاش میکنند. از جمله این مؤسسات و سازمانها میتوان از پلیس، زندانها و ارتش و رهبران مذهبی، گروههای کارگری، تجار و سرمایه گزاران که منابع اقتصادی را در دست دارند و همچنین از گروههای سیاسی که از رژیم حمایت میکنند نامبرد.

### **Political defiance:**

کاربرد جنبش نافرمانی مدنی در جهت از میان بردن دیکتاتوری و جایگزین کردن آن با یک سیستم دموکراتیک. مقاومت از طریق عدم همکاری با رژیم و گسترش مقاومت مردمی در برابر زور و ستم و در نتیجه قطع و محدود کردن منابع قدرت رژیم دیکتاتوری. منابع، گروهها و سازمانهایی که از رژیم حمایت میکنند پایه و یا ستونهای حمایتی رژیم خوانده میشوند. زمانیکه مقاومت سیاسی با موفقیت بکار گرفته شود میتواند شرایطی را بوجود آورد که اداره ملت و مملکت با دیکتاتوری در شرایط موجود و در آینده غیر ممکن شده و سیستم دموکراتیکی را بوجود آورد که در مقابل هرگونه تهدید در آینده مقاوم باشد.

### **Political jiu-jitsu:**

مرحله خاصی در جنبش نافرمانی مدنی که در طی آن این جنبش در تلاش است تا ارتباط بین قدرتهای حامی دولت حاکم را دگرگون کند. در این مرحله فرونشاندن مقاومت جنبش غیر خشونت آمیز از نظر سیاسی علیه نیروی حاکم عمل میکند و موقعیت و قدرت رژیم حاکم را تضعیف کرده و باعث قدرت گرفتن جنبش میشود. این موقعیت تنها زمانی پیش می آید که قدرت حاکم با خشونت به سرکوب جنبش اقدام کرده لیکن جنبش در برابر آن به مقاومت خود ادامه داده از اعمال خشونت خود داری کرده و به نیروی حاکم تسلیم نشود. سرکوبی جنبش نافرمانی مدنی در این حال بنظر بدترین تصمیم ممکن قلمداد میشود.

نتیجه اعمال قدرت نیروی حاکم سبب آن خواهد شد تا گروه سوم و بیطرف به شکایت و دادخواهی بپردازد و حتی در میان نیروی حاکم نیز شکاف ایجاد شده و به گروهها شاکه می پیوندند. این تغییر موضع میتواند سبب شود که طرفداران قدرت حاکم خود را از حمایت دولت کنار کشیده و به حمایت از جنبش نافرمانی مدنی پیوسته رژیم را بصورت گسترده ای محکوم نمایند و نافرمانی مدنی و مقاومت مردمی افزایش یابد. این تغییرات در این زمان در ارتباط نیروهای حامی رژیم دگرگونی و تغییر عمده ای بنفع جنبش نافرمانی مدنی ایجاد میکند. جو جیبتسوی سیاسی در تمامی جنبش های نافرمانی مدنی اعمال نمیشود، و زمانیکه از این طریق برای دگرگونی و تغییر و تحول در ارتباط بین نیروهای حامی دولت استفاده نشود دگرگونی و تغییر در نیروهای حامی دولت بستگی به عدم همکاری گسترده علیه رژیم دارد.

### **Political power:**

این واژه برای مجموعه قدرت و توان قابل دسترس مقامات رسمی در به اجرا گذاشتن تصمیمات سیاسی برای جامعه بکار میرود. قدرت سیاسی برای رژیم با استفاده از سازمانهای دولتی و برای نیروهای مخالف رژیم بوسیله گروهها و سازمانهای مخالف دولت مورد استفاده قرار میگیرد. قدرت سیاسی ممکن است در برخوردهای سیاسی مستقیماً مورد استفاده قرار گیرد و یا استفاده از توان آن به زمان دیگری موکول شود.

### **Sanctions:**

ضمانی اجرا یکی از منابع قدرت سیاسی محسوب میشود. مجازات در جنبشهای خشونت آمیز و یا جنبشهای غیر خشونت آمیز علیه افرادی که دست به اقدام زده و یا آنطور که مورد انتظار بوده عمل نکرده اند و یا دست به اقدامی زده اند که انتظار آن نمی رفته است اعمال میشود. ضمان اجرا و یا به تعریفی دیگر مجازات در جنبش های نافرمانی مدنی کمتر از جنبش های خشونت آمیز دیده میشود. در جنبشها خشونت آمیز انتقام و یا مجازات برای عدم اطاعت و یا عدم انجام عملی که معین شده است صورت میگیرد.

### **Self-reliance:**

به ظرفیت و توان فرد و یا گروهی گفته میشود که قدرت اداره امور خود را در تمامی زمینه ها بنحو قابل قبولی داشته باشد و به بیانی دیگر خود کفا باشد.

### **Skills and knowledge:**

آگاهی و مهارت از منابع قدرت سیاسی محسوب میشوند. قدرت حاکم بوسیله مهارتها، آگاهیها، و توانایی هایی موجود در جامعه و ارتباط آنها با یکدیگر و اعمال آن از طرف افراد و گروهها حمایت میشود (منابع انسانی).

### **Sources of power:**

منابع قدرت پایه اصلی قدرت سیاسی هستند. این منابع شامل منابع انسانی، مهارتها، آگاهیها، عوامل غیر قابل لمس، منابع مادی و ضمانت اجرایی و اقتدار میباشد. این منابع از جامعه و مردم ناشی، و هر یک از این منابع در ارتباط با دولت، نزدیکی تنگاتنگی با قبول جامعه، همکاری و اطاعت مردم و سازمانهای اجتماعی دارد. هر چه این منابع از دولت و فرمانروا حمایت بیشتری

بعمل آوردند رژیم قدرت بیشتری بخود میگیرد و هر چه این منابع تضعیف شده و حمایتش نسبت به دولت و فرمانروا کاهش یابد قدرت رژیم کاهش یافته و نهایتاً سقوط خواهد کرد.

### **Strategic nonviolent struggle:**

جنبش نافرمانی بر اساس نقشه استراتژیک و بلند مدت و بر اساس تجزیه و تحلیل شرایط مبارزه، نقاط ضعف و قدرت گروهها، ظرفیت، خوی و خلق گروهها و مردم، و الزامات فنی و تکنیکی جنبش نافرمانی مدنی و ویژه گیهای این نوع مبارزه پیش بینی و طراحی میشود.

### **Strategy:**

طرح و نقشه های جنبش نافرمانی مدنی که در مراحل خاصی از مبارزه ترسیم شده و در داخل استراتژی و طرح بزرگ و بلند مدت مبارزه قرار میگیرد. هدف استراتژی اینستکه ارزیابی دقیقی از چگونه جنبش در شرایط خاص ارائه کرده و راهیابی کند که چگونه میتوان جنبش را گسترش داده و اجزای مجزای یک طرح را در کنار هم قرار داد تا بتوان به بهترین شکل هماهنگ شوند و به بهترین شکل خود به اهداف مورد نظر برسند.

استراتژی های محدود در داخل استراتژی بزرگ بکار گرفته میشود و تاکتیکها و فنون و روشهای مختلفی در ابعاد کوچکتر بکار گرفته میشود لیکن تمامی استراتژی های محدود در خدمت اجرا و اهداف طرح بزرگ جنبش نافرمانی قرار دارند.

### **Strike:**

اعتصاب یا محدودیت ارادی یا تعلیق و دست کشیدن از کار معمولاً بصورت موقت برای در مضیقه قرار دادن و فشار اقتصادی بر روی صاحب کاران و یا بعضی اوقات برای دسترسی به اهداف سیاسی علیه حکومت صورت میگیرد.

### **Tactic:**

تاکتیک، طرح محدود عملیاتی است که برای دستیابی به اهداف ویژه و محدود با توجه به امکانات موجود طرح ریزی میشود. تاکتیکها برای به اجرا در آوردن اهداف کوچک لیکن در خدمت استراتژی بزرگ بکار گرفته میشود.

### **Violence:**

زور، خشونت و یا تهدیدی که علیه افراد بکار گرفته شده و باعث مرگ، و یا زخمی شدن افراد شده و یا آنان را دچار بیم و هراس از وقوع حادثه میکند.

بر اساس دیدگاه بعضی از مذاهب و یا اصول اخلاقی، نافرمانی مدنی تصویر گسترده تری از اعمال خشونت آمیز ارائه میدهد. چنین تعبیر و تفسیری به افراد و گروهها اجازه میدهد تا در کنار طرفداران و معتقدین به جنبش نافرمانی مدنی قرار گرفته با آنها همکاری کرده و آماده میشوند تا بر اساس زمینه های عملی در جنبش نافرمانی مدنی شرکت کنند.